

سن بلوغ کاهش یافته است
«**بلوغ در دهه اخیر دچار چه تغییر و تحولاتی شده است و طرح افزایش حداقل سن ازدواج از کدام مسائل در بلوغ غفلت دارد؟**»

پایین آمدن سن بلوغ عوامل متعددی دارد. اما یکسری از عواملی که باعث شده که کلا بچه‌ها ما دچار بلوغ زودرس شوند بیشتر مربوط به بحث‌های تربیتی و محیط زندگی است و این بلوغ زودرس می‌تواند ناشی از فضای خانواده، فضای مجازی و با جامعه و حتی نوع تغذیه باشد.

فضای مجازی خودش می‌تواند عمل بسیار موبی را باشد، حتی در حریم شخصی فرد به راحتی می‌تواند ورود پیدا کند به طوری که حتی خانواده‌ها در حولاتی که در ذهن فرزندان رقم می‌خورد بی‌اطلاع باشند.

به عنوان مثال حتی اگر کسی به عنوان یک فرد بایبند به اخلاقی اصلا وارد فضاهای چون اینستاگرام یا صفحات مستهنچ نشود و با هر نوع وسیله ارتباط با فضای مجازی را از دسترس فرزندش خارج کند ولی همین که می‌خواهد مثلا صفحه‌هایی را باز کند تا تصاویری مواجه می‌شود که اصلا نخواسته باشد آنها را ببیند و یا به جایگاه خاصی ورود کند. فکر کنید فرزند نوجوان ما چه دختر و چه پسر در

سنینی که هنوز به بلوغ نرسیده‌اند وقتی با این تصاویر روبه رو می‌شوند، حس کنجکاوی که در انسان در همه شرایط هست، آنها را تحریک می‌کند که مطالب بیشتری را در ارتباط با آن مطلب یا تصویر بدانند، قاعدتا این می‌تواند زمینه‌ای برای مواردی چون ناآلود قلم‌های برون و تصاویر مستهنچ باشد.

به فرزندانمان نشان دهیم که مسئله حفظ

سلامت آنها است نه هر یینه‌هایی

«به نظر می‌آید مراقبت دائمی فرزندان برای جلوگیری از ورود به محتوای نامناسب فضای مجازی چندان عملیاتی نباشد، نظر شما چیست؟

اگر به این مسئله به صورت باید و نباید بپردازیم بله حرف شما درست است. اما می‌دانیم جواس گنج که در انسان وجود دارد که این حواس می‌تواند در برخورد با جنس مخالف تاثیرات متقابل داشته باشد مثلا در قوه بینایی که در زن و مرد وجود دارد، چرا در آیات قرآنی خوانده ولی به مردان تذکر می‌دهد و بعد به زن؟ ممکن است بعضی چیزها در کنترل انسان نباشد یعنی وقتی که انسان چشم به چشم می‌شود، اگر در همان شرایط نتواند خودش را حفظ کند دچار مصلحات زیادی شود.

مشکلاتی که این موارد محرک و زمینه‌ای ایجاد کرده‌اند را به وضوح در مراجعه‌کنندگانم می‌بینم. شاید خانواده‌ها بگویند که امکان ندارد که بتوانند گوشی تلفن همراه را از دسترس فرزندانشان دور کنند و از ورود آنها به صفحات غیراخلاقی در اینترنت جلوگیری می‌عمل آوردند یا حتی همیشه از آن

آگاه باشند، راهش این است که فرزندان را آگاه کنیم که هر چیزی نامناسب سن آنها نیست و حتی بسیاری از موارد غیراخلاقی که در فضای مجازی وجود دارد در هر سنی هم که استفاده شود جز آسیب به امنیت روانی و سلامت جسمی و زندگی مشترک آنها در آینده چیز دیگری نخواهد داشت. می‌توان آسیب‌ها هر کدام از این موارد را متناسب با سن فرزندانمان به آنها آموزش بدهیم به گونه‌ای که حرف ما باورپذیرند ولی متناسفانه پدر و مادرها از طریق باید و نبایدها ورود باین می‌کنند که اطفال هم بچه‌های ندارد.

در عصری زندگی می‌کنیم که بچه‌ها ما با عقابیات جلو می‌روند و مثل نسل ما نیستند که کاملا تابع پدر و مادر باشند و بگویند پدر چه والدینم بگویند من گوش نمی‌کنم، زمانه ه گونه‌ای است که باید فرزندانم آفتاب شوند تا با ما در موضعی همراهی کنندوقتی می‌فهمند که در واقع ما دوست‌شان داریم و با منطق توضیح می‌دهیم که آثار مخرب این‌گونه تصاویر چیست طبیعتا بهتر بهراهی می‌کنند.

می‌شود جایگزین‌هایی را ایجاد کنیم که بچه‌ها احساس کمبود نکنند. خودشان را با دیگر دوستانشان مقایسه کنند ولی وقتی می‌فهمند که مسئله ما هزینه یک بدگوهر همراه نیست پسر کنار می‌آیند. مثلا می‌شود به جای گوشی پیچیده، یک دوربین تکلمی یا کیفیت برای آنها تهیه کرد که بچه متوجه نشود ما مشکلی با پول خرج کردن برای او نداریم ولی در جای خودش.

وقتی که قرآن عنوان می‌کند که بچه‌ها شما باید در زمان‌های خاصی به اتاق پدر و مادر آن هم با اجازه ورود پیدا بکنند، پدر و مادر باید مراقب ارتباط خودشان مقابل بچه‌ها باشند، چگونه ممکن است دین‌ن هر رفتار یا تصویر در فضای حقیقی یا مجازی برای فرزند ما مناسب باشد؟

گاه گفته می‌شود که نباید به حریم فرزندانم ورود کردیم اما وقتی همه جور تکنولوژی در دسترس بچه ما وجود دارد و به ذهن او آسیب می‌زند ما نباید به این مسئله بی‌تفاوت باشیم.

فضای مجازی کنونی در حال تجاوز به ذهن فرزندان ما است
«مشخما در مورد خود فضایی مجازی و محتوای آن فارغ از کنترل فرزندان چه پیشنهادی دارید؟
لازم است وقتی فرزند ما وارد فضای مجازی می‌شود محیط اطرافی او وجود داشته باشد و این از حقوق فرد فردی است که امنیت و سلامت روانی داشته باشد اما تا زمانی که این فضای مجازی است که خیلی راحت می‌شود با کمترین زحمت به هر محتوای مستهنچی ورود پیدا کردهرچند خطر کنونی در کمین فرزندان ما وجود دارد. شاهد بودیم که بارها رهبر انقلاب در مورد اهمیت فضای مجازی و اهمیت رسیدگی به آن و راهاندازی شبکه ملی اطلاعات هشدار داده‌اند.

آنچه امروز در حال نابود شدن است حقوق جنسی و اخلاقی فرزندان ما است که آینده آنها را دچار مخاطرات فراوانی می‌کند. می‌توانیم نسام این نوع از فضای مجازی را که به حالت رها و بدون مدیریت فعالیت می‌کند را تجاوز به ذهن بدانیم،چگونه نسبت به فضای مجازی بی‌تفاوت باشیم؟

بحران هویتی فرزندان با عدم تطابق بلوغ جسمی و جنسی با بلوغ عقلی و اجتماعی
«عدم تطابق سن بلوغ جسمی و جنسی با بلوغ عقلی و اجتماعی چگونه می‌شکلاتی ایجاد می‌کند؟

ما به عنوان پدر و مادر باید نگران خلوت فرزندانمان باشیم نه اینکه حریم خصوصی آنها را زیر پا بگذاریم ولی تا جایی که می‌توانیم فضای مهربانی‌تری را برای آنها فراهم کنیم که کمتر آسیب بخورند. چون هر محتوای نامناسب در فضای مجازی به راحتی در دسترس فرزند مااست و در فضای واقعی هم رفتارهای نادرست را مشاهده می‌کنند باعث تحریک قوای جنسی می‌گردد و باعث می‌شود که سن بلوغ در پسران و دختران ما پایین بیاید، مثلا پسری که به شکل معمول باید در ۱۴-۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسیده‌است در ۱۲ سالگی به بلوغ می‌رسد چون همه چیز در دسترس دید آنها قرار دارد.

بررسی غفلت‌های طرح افزایش حداقل سن ازدواج واقعی دختران و پسران

استاد مطالعات زنان و روانشناسی:

نمی‌توانیم در بحث از دواج

سن خاصی را تعیین کنیم

طرح افزایش حداقل سن ازدواج با پیگیری های فراکسیون زنان مجلس با معزلت زنان و خانواده ریاست جمهوری در دست بررسی قرار دارد. اما این طرح هنوز نامی در مراجع رسمی در مجلس مورد نقد بسیاری از استادان دانشگاه، پژوهشگران و فعالان حوزه زنان و خانواده واقع شده است. تا جایی که عده‌ای آن را از معضلاتی بزرگ کیی برداری از غرب و نابودی خانواده به‌شمرده‌اند. در این زمینه خبرگزار دانشجو با دکتر «فهیمة محلائی» که دارای ۳۰ سال سابقه تحصیل جوزهی و همچنین در سی خراج و فقه و اخلاق و دکتری روانشناسی و ۱۵ سال سابقه مشاوره است گفت‌وگویی انجام داده که مشروح آن در ادامه می‌آید.

از سوی دیگری وقتی فرزندانمان را درست تربیت نمی‌کنیم یعنی در سن نوجوانی هنوز رفتارهای کودکنانه از خود بروز می‌دهدو فرد مستقلی بار نمی‌آید و او را دچار مشکل می‌کند، چرا که جسم او رسیده و بلوغ یافته ولی رفتار او هنوز ناپخته و بچه‌گانه‌است.عدم تطابق بلوغ جسمی و جنسی با بلوغ عقلی و اجتماعی برای فرزند ما بحران هویتی ایجاد می‌کند چرا که اگر روح و جسم رشد نکند تکامل خودرا در شرایط طبیعی که خداوند قرار داده پیش نبرد می‌تواند مصلحات خاصی را برای فرد ایجاد کند و مشکلات هویتی و عدم اعتماد به نفس پیدا کنند.

بلوغ عقلی و اجتماعی از تربیت

و آموزش پیروی می‌کند نه از سن

«گفتید که فضای مجازی نامناسب موجب بلوغ زودرس و بحران هویتی می‌شوند، برای اینکه بلوغ جنسی و عاطفی با بلوغ عقلی و اجتماعی انطباق پیدا کنند چه باید کرد؟

یکی بحث بحران بلوغ است، سن بلوغ را عرض کردم آن چیزی که در سن و قاتن هست و از نظر بعد روانشناختی و جسمی و فیزیولوژیکی بخواهیم در نظر بگیریم طبیعی و عرف است برای پسران ۱۴-۱۵ و در دختران از حدود ۹ سالگی ملایم بلوغ منکلی می‌گردد و نهایتا در سن ۱۱ تا ۱۳ سال دختران این مرحله را کامل می‌کنند.

مورد دیگری این است که سن بلوغ می‌تواند به عوامل ژنتیکی هم مربوط باشد، ببینیم پدر پسر یا مادر دختر چه شرایط بلوغی را داشته‌اند و در چه سنی به بلوغ رسیده‌اند سپس برای بلوغ پسر یا دختر هوشیاری داشته باشند.البته بحث تاثیر آرث و ژنتیک روی سن بلوغ در کنار مستحی است که عرض کردم فرد شرایط طبیعی و عادی رشد را پشت سر گذاشته باشد.

ولی نکته دیگری این است که وقتی بلوغ را مطرح می‌کنیم غیر از بلوغ جسمی و بلوغ عاطفی،بلوغ عقلی و اجتماعی و سیاسی هم مهم است.همه این مباحث به نظر من بر می‌گردد به شرایط تربیتی هم در بعد خانواده و هم در بعد اجتماع.

ازدواج از سن خاصی پیروی نمی‌کند

موارد متعددی از دختران و پسران مجرد در سنننن مختلف برای مشاوره در مورد ازدواج به من مراجعه کرده‌اند که ممکن بوده فرد در سنن ۱۴-۱۵ سالگی باشد اما دارای پختگی کافی برای ورود به زندگی مشترک باشد و در همه ابعاد رشد پیدا کرده و برعکس مراجعه‌کنندگانی هم داشته‌ام که فرد در سن ۲۹-۳۰ سالگی بوداما آمادگی ورود به زندگی مشترک و پذیرفتن مسئولیت زندگی را نداشته‌است. این موارد اصولا از تربیت پیروی می‌کند نه سنن. وقتی بررسی کنید می‌بینید پدر و مادر و وقت تربیت در خانواده روی این موضوع بسیار اثرگذار است، اینکه پدر و مادر مسئولیت‌پذیری را به فرزندان آموخته‌اند او را تا بیست و چند سالگی به

اجتماعی

Ejtemae @kayhan.ir

چشم کودک یک‌نگاه کرده‌اند؟ بنابراین به خاطر این می‌گویم که در بحث ازدواج ما نمی‌توانیم سن خاصی را تعیین کنیم، بلکه ما باید همیشه نگاه به شرایط روحی، روانی، تربیتی و شرایط جسمی یک دختر یا پسر داشته باشیم و بعد با توجه به آن مشاوره بدهیم.

چرا دختر و پسر ایرانی باید برای برآوردن

نیازش مجبور به انحراف بشود؟

«یکی از دلایل مطرح شدن طرح افزایش حداقل سن ازدواج برای ضایع نشدن حق کودکی است، چقدر این دلیل قانع‌کننده به نظر می‌رسد؟

ببینید؛ غلبان تمایلات عاطفی و جنسی در دختران در سننن رهاثمی‌اند و در پسران در سننن دبیرستان رخ می‌دهد و موارد متعددی از دختران در این سن دوست پسر

و پسران دوست دختر دارند. اما از شما سؤال دارم، چقدر از هم رفتارهای نادرست را مشاهده می‌کنند باعث تحریک قوای جنسی می‌گردد و باعث می‌شود که سن بلوغ در پسران و دختران ما پایین بیاید، مثلا پسری که به شکل معمول باید در ۱۴-۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسیده‌است در ۱۲ سالگی به بلوغ می‌رسد چون همه چیز در دسترس دید آنها قرار دارد.

بررسی غفلت‌های طرح افزایش حداقل سن ازدواج از نیازهای واقعی دختران و پسران

استاد مطالعات زنان و روانشناسی:

نمی‌توانیم در بحث از دواج

سن خاصی را تعیین کنیم



می‌توانند تحصیل کنند و جلو بروند چون دیگر دغدغه ذهنی ندارند.

در ابتدا برخی از اطرافیان با من و پدرش خرده می‌گرفتند که چرا دخترتان را در این سن ازدواج دادید، پس تحصیلس چه می‌شود او نمی‌فهمد و از این دست مسائل ولی پاسخ ما این بود که فرزند ما به اندازه کافی رشد کرده و خودش هم دوست دارد که ازدواج کند چرا باید مانع او بشویم، به نظر می‌رسد که انگار خود والدین گلهی فرزندانشان را قبول ندارند.

خوب غیر از مسائلی که در مورد سسرکوب یا انحراف میل جنسی برای آنها ایجاد می‌کند مخاطرات دیگری چون بیماری‌های افسردگی و اژروا هم به همراه دارد. دردن‌های جوانانی که نتوانسته‌اند به موقع ازدواج کنند و تا کنون مجرد مانده‌اند دچار انحراف جنسی و عذاب وجدان‌هایی شده‌اند بسیار نازحت‌کننده است.

طبق آمار میزان طلاق‌ها

در سننن پایین دختران است

«آمار جوانان به خصوص دختران مجرد و همچنین طلاق‌های زودهنگام را چگونه توجهی می‌کنید؟ مورد اخیر را ناشی از ازدواج در سن پایین نمی‌دانید؟

ببینید طبق آمار رسمی کشور میزان طلاق در سننن زیر ۱۹ سال بسیار کمتر از میزان طلاق‌ها در بازه ۲۹-۳۵ سال

است یعنی در ابتدا این ادعای شما که ازدواج در سن پایین‌تر طلاق بیشتری به همراه دارد کملا رد می‌شود. موضوع دیگر هم تفکیک جوانان دهه ۶۰ و دهه ۷۰ است.

چرا کسی صدای دختران دهه ۶۰

نمی‌شود؟

«بسیاری از مجردین سن بالای ما بچه‌های دهه ۶۰ هستند، دلیل اصلی دوری آنها از ازدواج چه بود؟
لازم است که جوانان به خصوص دختران دهه ۶۰ از جوانان دهه ۷۰ کم‌تر کنیم، بسیاری از دختران دهه ۶۰ اصلا به ازدواج فکر نمی‌کردند، چون بعد از انقلاب فضا برای حضور دختران در جامعه و بیشتر در قالب تحصیل و شغل ایجاد شده بود یعنی بعد از یک محدودیت تحصیل برای فعالیت اجتماعی خانم‌ها ناگهان فضا در اختیارشان قرار گرفت. اغلب این دختران تصمیم داشتند که تحصیل را بپذین و واقفا تا دکترا ادامه دهند. اما زمانی که به ۲۹-۳۸ سالگی می‌رسیدند ناگهان خودشان زبان باز می‌کردند و از نیازها و فئشارهایی که در این مدت طولانی تحمل کرده‌اند می‌گفتند و نگران از اینکه دارند فرصت ازدواج و مادری را از دستت می‌دهند. اما متناسفانه خود این دختران هم می‌گویند که دیگر شرایط ازدواج برای آنها مساعد شده‌است.

خودوالدین بزرگ شدن فرزندانانشان را قبول ندارند
«چقدر نگاه جامعه ووالدین در عقب‌افتادن سن ازدواج جوانان نقش داشته است؟
بله متناسفانه مراجعه‌کنندگان دختر و پسر زیادی دارم که خودشان اعلام آمادگی برای ازدواج داشته‌اند اما والدین

شما با اینکه صدای داخواهی این دختران که جمعیت میلیونی هم دارند را می‌شنوید باز کسانی را می‌بینید که به جای رسیدگی به این جمعیت میلیونی تمام دغدغه‌شان شده افزایش سن ازدواج.
تحصیلات عالی به نیست اما نباید مانع زندگی فرد شود و او را از بقیه شقوق زندگی‌اش محروم کند؟ مگر انسان صرفا دارای یک بعد‌است؟ از آن گذشته بر چه کسی پوشیده‌است که بسیاری از فارغان‌تحصیلان دانشگاه بیکرانند و با بالا رفتن مدرک تحصیلی شغل پیدا کردن مشکل‌تر است؟

متناسفانه این مشکل در پسرهای دهه ۶۰ هم این‌گونه بروز پیدا کرد که حاضر نبودند زیر بار مسئولیت‌های زندگی

مشترک بروند چرا که زندگی مشترک را مامعی بر سر راه پیشرفت‌های تغلی و تحصیلی می‌دانستند.

نسل دهه ۷۰ از آموزش‌ها و مهارت‌های

زندگی محروم نگه داشته‌شند

«به نظر شما کدام آشنیابهارت در این زمینه در حال

تکرار هستند که باید از آنها دوری کرد؟

عبرتی که بچه‌های دهه ۷۰ و خانواده‌هایشان از بچه‌هایی دهه ۶۰ گرفتند این بود که زودتر وارد زندگی مشترک بروند عا‌دمای این نسل ازدواج چون بچه‌های دهه ۷۰ زودتر ازدواج کردند میزان طلاق در آنها بالا‌است، که باید بگویم این تحلیل کاملا غلطی است، میزان طلاق کم‌تر ناشی از عوامل متعددی باشد و همانطور که گفتم آمار رسمی کشور حکایت از تعداد کم طلاق‌ها در ازدواج‌های زیر ۱۹ سال دارد.

یک عامل اصلی نوع تربیت فرد در خانواده است. هم خانواده و هم سیستم تربیتی جوانان را در امر ازدواج کرده‌اند و هیچ آموزش و مهارتی برای ورود به زندگی مشترک به آنها داده نمی‌شود لذا فرد وارد زندگی مشترک می‌شود ولی مهارت‌های آن را ندارد. در اینجا به جای اینکه نقش تربیتی پدر و مادرها و سیستم آموزشی را گوشزد و آنها را توانمند کنیم قربانی یعنی جوانان را مجازات می‌کنیم می‌گوییم تو یک مشکل داشتی به نام عدم مهارت زندگی خالا گی شوکل دیگر هم برایت اضافه می‌کنیم به نام ممنوعیت ازدواج.

مشاوره قبل از ازدواج خواسته رهبر انقلاب است،

چرا روزنهادهائش آن را اجرایی نمی‌کند؟

«به عنوان یک برنامه کوتاهمدت بهترین جایی که حداقل آموزش‌ها را می‌توان به جوانان برای زندگی مشترک داد، کجاست؟

چرا مرتبا آمار طلاق را می‌گویند اما زمانی که داد می‌زنیم که چرا مشاوره بعد از ازدواج و زمان طلاق به صورت مجانی را برداشته‌اند و در شورایی حل اختلاف گذاشتید و یا چرا زمانی که رهبر معظم انقلاب تاکید کرد که مشاوره قبل ازدواج جزو سیاست‌گذاری خانواده‌باشد هیچ کس پاسخگو نشد؟

متناسفانه وزارت بهداشت در این زمینه بسیار منفعل است، اساسی ما را که تخصص دانشگاهی و جوزهی داریم به صورت فرمانیته گرفتند ولی از روشناسان خودشان که دیدگاه کملا غربی دارند دعوت کردند. خوب کسی که غربی فکر می‌کند غربی هم راهکار می‌دهد و خروجی‌اش هم این بالایی است که امروز بر سر جامعه ما وارد است.

آموزش مهارت‌های زندگی مشترک

نه در مدارس وجود دارد و نه در دانشگاه

«به نظر شما چقدر زمان و چقدر تجربه دیگر

لازم است تا این آموزش مهارت‌های زندگی به سیستم

رسانه‌ای و آموزشی ما وارد شود؟

چرا آموزش مهارت‌های زندگی با خانواده و یا زندگی مشترک هموز بعد از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی به مدارس راه ندارد و همچنان در مدارس ما به دانش آموزانمحل نگاه درستی وجود ندارد؟ این نگاه‌ها اسلامی است یا غربی؟ امروز اگر بخواهیم یک درس برای آموزش مهارت‌های زندگی به دروس دانشگاهی وارد کنیم با ملامت‌عندی زیادی مواجه می‌شویم، چقدر از این سنگ‌اندازی‌ها می‌تواند انقالی باشد؟ وقتی این همه تاجر در سطح دانشگاه وجود دارد می‌خواهید به دنبال افزایش سن ازدواج نباشند؟ قطعا چنین مواردی هم دور از تعقل است و هم دور از شرع.

ظلم به میلیون‌ها جوان

به اسم نجات دختران

«یک علت مطرح شدن این طرح جلوگیری از ازدواج اجباری برخی دختران در سطح پایین است، چقدر چنین دلبلی منطقی به نظر می‌رسد؟

من فکر وجود دخترانی که در سن پایین توسط خانواده و پدرانشان به زور و بدون میل باطنی وارد به ازدواج می‌شوند، نیست‌ام اما راهکار این نیست که به علت این موارد مانع ازدواج جمعیت میلیونی جوانان ایران شند، بلکه باید مامعی برای عملکرد بد آن پدر یا خانواده ایجاد کرد.

عینک‌های بد به اسم اینکه می‌خواهند مانع ظلم پدر یا مادر به دختر شوند خودشان ظلم بزرگ‌تری را در حق همه جوانان مرتکب می‌شوند. مگر پدری که دخترش را به اجبار ازدواج می‌دهد یا افزایش سن ازدواج متوقف می‌شود و دیگر این‌سین کار را نمی‌کند مگر آن که در این کار از کامی دین دیگر مراجع قانونی اجازه گرفته که بعد از تصویب این طرح دیگر این کار را نکند؟

سارقانی که تغییر شغل دادند!

سرهنگ کار آگاه احمد نجفی*

۱. مقابل تمام پنجره‌ها، نورگیر، پاسیو و روی دیوارهای کوتاه و بالکن‌های طبقه اول حفاظ مقاوم و مطمئن نصب کنید.
۲. در راهرو و پشت‌بام را با حفاظ نرده‌ای ایمن کنید.
۳. در صورت خروج از خانه، فقط به بستن در خروجی اکتفا نکرده و همه درهای داخل خانه را قفل کنید تا فرصت جستجو و راه نفوذ از سارقان گرفته شود.
۴. کلید خانه خود را در دسترس افراد غیر مطمئن قرار ندهید.
۵. در صورتی که بیرون خانه شما روشنایی ندارد یا نصب لامپ در سر در خانه روشنایی محل را تامین کنید.
۶. نردبان و چهار پایه را در کنار دیوار حیاط قرار ندهید تا راه ورود سارقان هموار نشود.
۷. در مواقع خالی بودن خانه، چراغ یکی از اتاق‌ها را به مدت طولانی و مستمر روشن بگذارید و حتی‌المقدور از همسایه‌ها و آشنایان مورد اطمینان بخواهید که روشنایی داخل خانه را در هنگام شب تغییر دهند.
۸. در صورت مسافرت، اشیاء قیمتی خود را به اقوام مورد اعتماد خود بسپارید.
۹. اگر کلید خانه یا سبدک آن را گم کردید سریع قفل‌های در را تعویض کنید. گاهی شما تصور می‌کنید دسته کلید را گم کرده‌اید اما در دام دزدان جنیب گرفتار شده‌اید و آنها با تعقیب شما آدرس خانه را به دستت آورده و به دنبال فرصتی

صفحه ۸
شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۷
۱۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ - شماره ۷۷-۲۲

در نامه‌ای به رئیس رسانه ملی مطرح شد

نقش صداوسیما در توهّم یادگیری

وغفلت از مصالح تربیتی با تبلیغات پر حجم آموزشی

اعضای هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش با ارسال نامه‌ای به رئیس رسانه ملی، نسبت به اثرات منفی تبلیغات صداوسیما در زمینه کتب کمک درسی و موسسات آموزشی هشدار دادند.

در این نامه خطاب به دکتر علی عسکری آمده است: «اگرچه نظام آموزشی کشور خالی از مشکلات نیست، اما همراهی سازمان‌ها و دستگاه‌های برون‌بخشی از جمله صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با این مشکلات مبتلابه و تشدید آنها، توجیه منطقی نداشته حتی اثرات مخربی را در پی خواهد داشت.

بخش قابل توجهی از برنامه‌های شبکه‌های مختلف صدا و سیما به تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم منابع کمک درسی به بهانه موفقیت دانش‌آموزان در آموزش‌مدرسه‌ای (منتهی به تکثیر و روش‌های آمادگی برای آن) اختصاص داده شده است. این برنامه‌های تبلیغاتی که در حجم وسیعی و در بهترین ساعات پر مخاطب بر روی آنتن می‌روند، از یک سو موجب تشویش خاطر خانواده‌ها و اضطراب شدید دانش‌آموزان شده و از سوی دیگر به‌صورت پنهان و ضمنی این پیام را القا می‌کند که منابع اصلی درسی و آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای ناقص و ناکافی است. از این رو، به نقش و جایگاه آموزش و پرورش رسمی و مدرسه‌ای به‌عنوان یک نهاد حاکمیتی حساس و خطیر در جامعه، صدمه سختی زده و می‌زند.

در پی القای این پیام نامناسب که از طریق امواج گسترده تبلیغاتی رسانه ملی، در سطح گسترده‌ای از جامعه صورت می‌گیرد، تولیدات کنترل نشده مکتوب و غیرمکتوب، تحت عنوان منابع کمک درسی (تجاری و عموماًکم‌کیفیت) راه خود را به خانه‌های دانش‌آموزان و حتی کلاس‌های درس و مدارس باز کرده و نتیجه چنین وضعیتی شکل‌گیری مطالبات سطحی آحاد جامعه از مدرسه نیز شده است. به این معنی که توقع و انتظار از مدرسه به‌جای ارائه فرصت‌های تربیتی ارزشمند و زندگی‌ساز و آمادگی فرزندان این مرز و بوم برای زندگی سالم، سازنده و پاک، به کار بر روی کتاب‌های بازاری (کمک درسی) و اجرای تست‌های اسپن‌باز، چرخش یافته است. تا جایی که فهم عموم از پیشرفت تحصیلی مدرسه‌ای به چنین موفقیت‌های صوری سطحی فروکاسته شده است. توجه همگان را به سمت‌وسوی روش‌های یاددهی یادگیری ضعیف و توسعه «توهّم یادگیری» سوق داده است. گویی نقش و جایگاه نظام آموزشی به‌ویژه در دوره متوسطه، آماده کردن دانش‌آموزان برای موفقیت در آزمون ورود به دانشگاه خلاصه شده است. همه اینها در جامعه منجر به شکل‌گیری پدیده «گرداب آموزشی» گردیده که حجم عظیمی از سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه را در خود



بعلیده و نابود می‌سازد. متناسفانه این پدیده، به صورت آشکار و نهان مزاحم ایجاد فرصت‌های یادگیری با کیفیت در سال‌های زندگی مدرسه‌ای شده و دست و پای اولیای مدارس را برای فراهم آوردن فرصت‌های مناسب یادگیری بسته است. در حالی که اگر این حجم از امواجی که از طریق صدا و سیما منتشر می‌گردد، بر روی نیازهای حیاتی و حقیقی نسل نوجوان و کسب توانایی‌ها و شایستگی‌های ضروری آنان متمرکز شود آثار عظیم و ارزشمندی در جامعه بر جای می‌گذارد.

از آنجا که اصل فراگیر «اولویت مصالح تربیتی کودکان و نوجوانان» تصریح شده در مبانی نظری سند تحول‌بنیادین نظام تربیت رسمی و عمومی، بر عملکرد تمامی نهادهای حاکمیتی کشور جاری و حاکم است؛ از جنباعالی انتظاری می‌رود، برنامه‌های تبلیغاتی مورد اشاره را نه منظر معیار کتی و مادی مانند حجم و دین مخاطب و کسب منابع مالی بلکه از منظر مصالح تربیتی نسل نوجوان جامعه، مورد عنایت و ارزیابی دقیق قرار دهید تا به‌واسطه آن ذائقه تربیتی نسل نوجوان و به‌ویژه خانواده‌ها، از امور سطحی به سمت ارزش‌های تربیتی اصلی و زندگی‌بخش، متحول گشته و نسل نخواستاره را برای ورود به زندگی در جامعه پرچالش آینده آماده کنند. شایان ذکر است که اگر ملاک و معیار دسترسی به تربیون‌های صدا وسیما، قدرت مالی نهاده‌ها و موسسات باشد، تردیدی نیست که اصل «اولویت مصالح تربیتی» در جامعه معطل خواهد ماند و از این روند، جامعه با آسیب‌های جدی مواجه خواهد شد.

به‌طور مشخص پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی شبکه‌های مختلف سیما، ناظر به برنامه‌های درسی رسمی مدرسه‌ای و آمادگی برای آتکنور که شرح آن رفت، تنها در شبکه هفت متمرکز شده و این برنامه‌ها با نظارت هیئتی از معلمان خبره آموزش و پرورش و متخصصان تهیه و پخش شده و به تبع آن، تبلیغات حجیم کتاب‌های کمک درسی و روش‌های نامتعارف و غیراصولی کسب موفقیت در تکنور (که به سطحی‌گرایی آموزشی و تربیتی منجر شده است) بسیار محدود شود. خوشبختانه مصوبات اخیر شورای عالی آموزش و پرورش راه را برای ممانعت از تبلیغ آزمون‌های فراگیر و کتاب‌های کمک درسی دوره ابتدایی فراهم کرده است.»

اعضای هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

برای سرفت هستند.
۱۰. اگر خانه‌های اطراف شما خالی از سکنه است یا در مجاورت آنها مشغول ساختمان‌سازی هستند، لازم است که از خانه خود مراقبت بیشتری کنید.
۱۱. از قرار دادن کلید در محل‌هایی مانند زیر جارکشسی و دیگر محل‌های قابل دسترسی خودداری کنید.
۱۲. از نشان دادن محل نگهداری وجه نقد و طلا و جواهرات و اشنیای بسا ارزش و گرانبها و به همسایگان و کسانی که مورد اعتماد نیستند و همچنین از نگهداری آنها به صورت یکجا خودداری کنید.
۱۳. قبل از ترک خانه از بسته بودن در ورودی پشت بام مطمئن شوید و به قسمت‌های مختلف خانه سرکنشی کرده و پنجره‌ها را بررسی کنید.
۱۴. هنگامی که سبه مسافرت می‌روید همسایه‌های مورد اطمینان را در جریان قرار دهید.
۱۵. اگر از سیستم دزدگیر برقی استفاده می‌کنید به طور مرتب آن را کنترل کرده و معاینش را برطرف کنید و هنگام خروج از منزل کلید آن را بازیاب کنید.
۱۶. برای جلوگیری از سرقت منزل خود به روش توبی‌تویی، توبی قفل را با بدنه در همسطح، در صورت عدم امکان لوله‌ای فلزی به دور آن چسباند.
۱۷. به رنگ‌های بی‌وقت و بی‌مورد تلفن و منزل بی‌توجه نبوده و آنها را به عنوان رنگ خطر تلقی کنید و حتی‌الامکان منزل خود را برای گردش با ملاقات دوستان و فامیل به صورت یکسان و یکواتر ترک نکنید.
۱۸. استفاده از دوربین‌های مداربسته با کیفیت در صورت سرقت تصاویر تهیه شده برای کارآگاهان پلیس قابل بهره‌برداری باشد.
۱۹. آرامش خود را پارکینگ از بسته شدن در و عدم ورود افراد غریبه اطمینان حاصل کنید.
۲۰. درب مجتمع را برای افراد غریبه باز نکنید.
۲۱. اجازه ندهید فردی که نمی‌شناسید بعد از شما وارد مجتمع شود و از او بخواهید رنگ واحد مورد نظر خود را زده و درب توسط آن همسایه برای او باز شود.
پس از سرفت چه کنیم؟
در صورت بروز سرفت و مالیاتیگی موارد ذیل را در نظر داشته باشید:
۱. آرامش خود را حفظ کرده و خونسرد باشید.
۲. فوراً به پلیس ۱۱۰ زنگ بزنید.
۳. برای باقی مانده آثار انگشت سارقان به هیچ چیز دست نزنید و جای لوازم را تغییر ندهید.
۴. اجازه ندهید که افراد غیرمستول به چیزی در محل سرقت دست بزنند.
۵. اسارت ندهید مردم در محل سرقت جمع شوند.
۶ به کسی در مورد فرآیند پیشرفت تحقیقات پلیس چیزی نگویید.
در پایان اشراره به این نکته ضروری است که کشف جراتمی مانند سرفت وظیفه ذاتی و تعریف شده پلیس آگاهی می‌باشد اما برخی موارد مانند این‌سازی منزل به عنوان اقدامات پیشگیرانه از حیطة وظایف مالکین می‌باشد و هر شخصی قبل از مالیات‌بندی باید درآوردنیستی باید نسبت به این‌سازی محل سکونت خود اقدام نموده و از نگهداری مقادیر بالای وجوه نقد و سایر اموال با ارزش در منزل، که امکان نگهداری آنها در بانک‌ها وجود دارد خودداری نماید.

« معاوم مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ

راهکارهای مهم پلیسی آگاهی برای پیشگیری از سرقت منازل



بررسی‌های اخیر پلیس نشان می‌دهد که بسیاری از سارقین خودرو یاپخش، درحرفتی هومستدانه نسبت به تغییر شغل خود اقدام کرده‌اند، شایند این خبر در نگاه اول خواننده را دچار این سوفاطمه کند که این افراد متنبه شده و به مشاغل شرافتمندانه روی آورده‌اند و تصمیم دارند بعد از این، از هر عرف جیبین و کد یمین یا برای معاش خود و خانواده‌شان بپردازند. خیر! این امر مادم و پشیمان نبوده و صرفاً با نگاهی روانشناسانه به تجزیه و تحلیل شرایط فعلی جامعه